

خرید و فروش دختران در عصر مشروطیت و پس از آن

دکتر عمادالدین فیاضی

اشاره

شانزده مرداد یکصدمین سالگرد انقلاب مشروطیت است. در خصوص فرا رسیدن یکصدمین سال این حرکت عظیم تاریخ معاصر ایران چه در داخل و چه خارج از کشور برگزار شده و می‌شود.

مسئله خرید و فروش دختران بویژه در مناطق شمال شرقی ایران یکی از موضوعات مهمی بوده است که بعنوان تظلمات مردم علیه حکومت استبدادی قاجار اقامه شده است. به طوری که علمای برجسته‌ی آن زمان که ید طولایی در دفاع از جنبش مشروطه خواهی داشته‌اند همچون آیت الله طباطبائی عریضه بلند بالایی به مظفرالدین شاه می‌نویسد و خواهان رسیدگی به این معضل عظیم می‌شود.

در این پژوهش ضمن آوردن مقدمه‌ای در خصوص تاریخچه این مسئله، به فروش دختران در آستانه انقلاب مشروطه و مهمتر از همه حتی پس از مشروطه و عوامل آن با تکیه بر اسناد متقن پرداخته شده است.

مطالعه درباره جنبه‌های اجتماعی تاریخ، موضوعی است که در کشور ما عنایت چندانی به آن نشده است و به قول جان گرنی مورخ انگلیسی دوره قاجار «در سال‌های اخیر روایات سیاسی، خاطرات شخصی، وقایع سیاسی مثل ملی شدن نفت، زندگی سیاستمداران برجسته مثل امیرکبیر هنوز هم محبوب‌ترین مضامین بررسی‌های تاریخی است و به تاریخ فکری، فرهنگی و اقتصادی توجه زیادی نشده و تاریخ اجتماعی نیز به معنای اعم آن تقریباً هیچ»^۱. وضعیت اجتماعی زنان نیز از مقوله‌هایی است که کمتر بدان پرداخته شده، در این مقاله موضوع اصلی خرید و فروش دختران و زنان مناطق قوچان، کرمان، سیستان و قائنات در سالهای 1329 ه. ق و 1335 ه. ق است.

موضوع حکایت دختران قوچان در کتابی توسط خانم افسانه نجم‌آبادی به تفضیل بیان شده است و اما ذکر این نکته ضروری است ماجرای که نویسنده فوق مورد بررسی قرار داده است مربوط به سال‌های انقلاب مشروطه یعنی سال 1335 ه. ق است و این مسئله به عنوان یکی از موضوعات مهم تظلمات مردم علیه حکومت استبدادی قاجار محسوب می‌شد و بلواها و سروصداهای زیادی را به وجود آورد، اما اسنادی که توسط نگارنده در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، مربوط به سال‌های 1329 ه. ق و سال 1325 ه. ق یعنی به ترتیب 6 و 11 سال پس از صدور فرمان مشروطیت است.

نکات قابل توجه و مهمی که در این نوشتار مطرح است این است که در خصوص این ماجرا در سال‌های فوق (1329 و 1335 ه. ق) در هیچ منبع و کتابی ذکری به میان نیامده است و کسی از این حکایت دردآلود پرده برنداشت، تا زمانی که اسناد این قضایا در آرشیو اسناد ملی ایران یافت گردید.

^۱. نگین یآوری «تاریخ نو و بحران بازنمایی» گفتگو، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی، تابستان 1374، ص 73.

ما در این مقاله کوشیده‌ایم به این پرسش پاسخ دهیم که چرا پس از چندین سال که از رژیم مشروطه گذشت و آنهمه دربارهٔ فروش و اسارت دختران و زنان قوچانی سخن گفته شد دوباره این فاجعهٔ هولناک تکرار شد؟ و چرا وزارت جلیلهٔ داخله و دولت وقت نتوانست تلاش‌های جدی در جهت رفع این معضل اجتماعی بنماید و دست آخر این که چرا مورخین معاصر از این ماجرا سخنی به میان نیاوردند؟

در این نوشتار ابتدا شمه‌ای کوتاه از بردگی و خرید و فروش زن در طول تاریخ آورده‌ایم و سپس به ماجرای فروش دختران قوچانی و علل آن در آستانهٔ انقلاب مشروطیت اشاره نموده و آنگاه به بررسی اسناد و تشریح آنها پرداختیم. از نکات مهم و عبرت‌آموز در این نوشتار، این است که می‌توان مقایسه‌ای بین وضعیت زنان در گذشته با امروز داشت. این که در طول تاریخ حتی در دهه‌های نه‌چندان دور چه ظلم و ستم‌هایی بر او روا می‌شد و این که امروز وضعیت زن چگونه است و جای امیدواری بسیار که امروز، به خصوص پس از انقلاب اسلامی روز بروز زنان به هویت و جایگاه واقعی خود نزدیک‌تر می‌شوند و در همهٔ عرصه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نقش فعال و کلیدی ایفا می‌نمایند.

نگاهی به بردگی و خرید و فروش زن در تاریخ

تحقیق و مطالعه در تاریخ حیات زن از دوران‌های پیشین تاکنون همواره باعث تأسف و تأثر انسان‌های آگاه و بیدار دل شده است و آن چنان که در تواریخ می‌خوانیم نه تنها با این آفریدهٔ ظریف الهی که تجلی اوج عشق و عاطفه است برخورد مناسب و در خور شأن وی نشده بلکه با آن بسیار بد و ناصواب برخورد نموده‌اند. زمانی او را پست‌ترین موجودات به حساب می‌آوردند و حتی او را از داشتن حیات که حق هر موجود زنده‌ای است محروم می‌انستند و همچون کالایی وی را به عنوان برده خرید و فروش می‌کردند.^۲ در دنیای قدیم

^۲ . علی قائمی، حیات زن در اندیشه اسلامی، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۷۲، ص ۴۷.

زن هیچ اختیار از خود نداشت تا راهی برای زندگی‌اش انتخاب کند، او را مثل یک شیء مورد معامله و تملک قرار می‌دادند. زن در میان کلدانیان ارزش تجارتي داشت و فاقد هر گونه ارزش اجتماعي، آنها برای زنان نرخ ثابتی در بازارها تعیین می‌کردند و جالب این که مزاجت با زنان نوعی تجارت بود دختران را یا می‌فروختند و یا اجاره می‌دادند. هردوت می‌نویسد: «کلدانیان دختران زیبا را جمع می‌کردند و آنها را می‌فروختند و از پول آنها جهیزیه برای دختران زشت تهیه می‌دیدند.» هندوها نیز زن را مورد معامله قرار می‌دادند و داد و ستد زنان و دختران برای آنان تجارتي بس سودبخش بود و با وجود چنین تجارت سودبخش باز هم این سودجوییها باعث نمی‌شد که در موارد متعدد دختران را زنده به گور نکنند و یا زنان آبستن را سر نبرند و خونس را قربانی معابد نسازند.^۳

در هند ازدواج البته ممکن بود از راه ربودن عروس و با زور و یا خریدن یا رضای طرفین صورت گیرد اما جالب این که ازدواج به رضای طرفین را اندکی ننگ‌آور تلقی می‌کردند. زنان می‌اندیشیدند که اگر آنها را بخرند و برایشان پول بدهند بسی شرافتمندانه‌تر است و ربودنشان را ستایش بزرگی می‌دانستند. مردان به زنان خود حق تملک داشتند و می‌توانستند در موارد خاص آنها را بفروشند و یا از خانه بیرون رانند.^۴

وضعیت زنان در روم نیز بهتر از سایر نقاط نبود، زنان در روم در حقیقت به عنوان اشخاص به حساب نمی‌آمدند بلکه به عنوان اشیاء و ابزار بودند و به همین جهت همیشه ولی و قیم داشتند و جنبهٔ مایملک مردم به حساب می‌آمدند.^۵ در بین یهودیها که به عنوان معتقدان به ادیان الهی مطرح بودند دختران خود را همچون کنیز معامله می‌کردند و به خود حق فروش آنها را می‌دادند.^۶

۳. حسن آزاد، پشت پرده‌های حرمسرا، چاپ چهارم، انتشارات انزلی، ارومیه، ۱۳۶۶، ص ۳.

۴. همان، به نقل از تاریخ تمدن ویلدورانت، ترجمه حمید عنایت، کتاب سوم، بخش اول، ص ۴۶۵.

۵. علی قانمی، حیات زن، ص ۴۲.

۶. حسن آزاد، پشت پرده‌ها، به نقل از حقوق زن در اسلام یا زنان پیامبر (ص)، حسین عمارزاده، ص ۵۷.

در ایران باستان در جامعه برده‌داری ماد از وجود کنیزکان زرخیر به عنوان برده یاد شده که به آنها عنوان بردگان خانگی داده بودند. در عصر ساسانی نیز زن شخصیت حقوقی نداشت و به عنوان یک شخص فرض نمی‌شد، بلکه شیئی پنداشته می‌شد و به عبارتی صاحب هیچ حقی به شمار نمی‌رفت.^۷

با ظهور اسلام وضعیت زن تغییر زیادی کرد در دیدگاه اسلام از منزلت بالایی برخوردار شد، وضع و موقعیت اجتماعی زنان در صدر اسلام آن چنان بود که نه تنها در کارهای امور اجتماعی بلکه در فعالیت‌های رزمی بسیاری نیز شرکت فعال داشتند و حتی در کعبه زن و مرد با هم ادای مراسم حج می‌نمودند و در آن کار هیچ عیبی نمی‌دیدند.^۸

زن در دیدگاه مذهبی مظهر مهر و عاطفه است و از آنجایی که معمولاً عاطفه بیش از قهر کارساز است خداوند نیز تمام هستی را بر مایه مهر و محبت اداره می‌کند و بیشتر آیات قرآن به مؤمنین درس محبت می‌دهد، زن راه محبت را بهتر درک می‌کند لذا آیات عرفانی، اشعار نظم و نثر در زن مؤثرتر است و کوتاه‌ترین راه قرب به خداوند نیز محبت است، پیامبر (ص) به پیروان خودش پیوسته درس محبت می‌داد. پس محبت آسان‌ترین راه جهت رسیدن به عبودیت پروردگار است و عبودیت علت نهایی آفرینش است و در این راه توفیق زنان از مردان مسلماً کمتر نخواهد بود.^۹

با وجود توجه اسلام به شخصیت زن ما هر چه از صدر اسلام فاصله می‌گیریم وضعیت زن بدتر و حضور اجتماعی او کمتر می‌شود. در زمان تشکیل نخستین سلسله‌های بعد از اسلام در ایران خرید و فروش زن و کنیز ادامه می‌یابد و سلاطین و بزرگان به خرید کنیزان زیبا، برای خدمت در حرامسراهاشان رغبت نشان می‌دادند.^{۱۰} کار خرید و فروش کنیز و

۷. همان، ص ۴۵.

۸. همان، ص ۹۴.

۹. ثریا مکنون و مریم صانع‌پور، بررسی تاریخی منزلت زن، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۷۴، ص ۱۲.

۱۰. حسین آزاد، پشت پرده‌ها، ص ۱۵۷.

غلام آن چنان رونق داشت که برخی نویسندگان کتاب‌هایی را برای راهنمای خریداران و فروشندگان زن و برده تدوین کردند و آداب برده خریدن و برده فروشی را در کتابهایشان می‌آوردند.^{۱۱}

در عصر صفویه شاردن سیاح انگلیسی از دختران روسپی خانه‌ها سخن می‌گوید که بیشتر آنان از اسیران گرجی و دختران بسیار زیبا و خوش قد و قامت بودند.^{۱۲} در عصر نادر شاه افشار نیز زنان از احترامی که در خور شأن یک انسان باشد محروم بودند و اکثر اسیرانی که در حمله نادر به هند بدست آمد زن بودند و برخلاف انضباط ظاهری که نادر ایجاد نموده بود بسیار از آنان هتک عصمت شدند.^{۱۳}

در عصر قاجار با وجود تحولات جهانی و تغییراتی که در جامعه ایرانی به وجود آمد و نیز کم شدن تعصبات و حدود قیود کهن، باز هم زنان راه درازی داشتند تا بتوانند شأن و شخصیت خود را به عنوان یک انسان به جامعه اثبات نمایند در عصر قاجار بهترین مکان برای زنان، گوشه خانه‌ها و کنج حرمسراها بود، محدودیت رفت و آمدشان در کوچه و بازار همچنان پابرجا بود^{۱۴} خرید و فروش زن و برده در سراسر دوره قرون وسطی تا زمان ناصرالدین شاه در ایران ادامه و رواج داشت و اسناد و منابع زیادی در این باره وجود دارد. تنها از زمان ناصرالدین شاه به طور رسمی خرید و فروش کنیز و برده ممنوع شد. وضعیت نابهنجار اقتصادی در عصر قاجار عامه مردم را در رنج و زحمت انداخته بود شاهزادگان و اعیان و حکام چنان زندگانی را بر مردم تنگ کرده بودند که در بسیاری موارد چون پولی در مقابل خواسته‌های آنان نداشتند، دختران خود را به این افراد به ناچار تقدیم می‌داشتند، و از آنجایی که در این زمان، دوره زنجاری قدرتمندان بود، زن برای آنان بهترین کالا به

۱۱ . همان، ص ۱۲۲.

۱۲ . همان، ص ۲۳۶.

۱۳ . همان، ص ۳۰۶.

۱۴ . همان، ص ۳۲۰.

حساب می‌آمد، بنابراین زمانی که وضعیت بد اقتصادی بر خانواده‌ها فشار می‌آورد از دختران خود برای رها شدن از تنگناها استفاده می‌کردند.^{۱۵} این امر بیشتر در منطقه خراسان رواج داشت، ظاهراً این عمل در سراسر دوره قاجار چنان رواج داشته است که به صورت ضرب‌المثل درآمد بود و شعری به زبان ترکی در این باره وجود داشته که حکایت از کثرت این عمل شیعی می‌کند:

پاردی تاتارمنی	قل ایلیپ ساتارمنی
یاریم و فالی اولسا	اختاریپ تا پارمنی
تاتارها مرا بردند	برده کرده مرا خواهند فروخت
اگر یارم با وفا باشد	دنبال من می‌آید مرا پیدا می‌کند

ماجرای فروش دختران قوچانی در آستانه انقلاب مشروطیت در آستانه سال‌های انقلاب مشروطیت ایران یکی از حوادث مهمی که در شتابان شدن روند انقلاب تأثیر بسزایی داشت مسئله فروش دختران قوچانی بود. فروش دختران قوچانی به ترکمانان و ارامنه عشق‌آباد در بهار ۱۳۲۳ هـ. ق در دوران حکومت آصف‌الدوله در خراسان و به اسارت رفتن زنان با شقانلو در ماه رمضان همان سال نوامبر (۱۹۰۵)، در حمله ترکمانان به ناحیه بجنورد در زمان حکمرانی سالار مخفم رخ داد.

اگرچه مسئله ظلم و جور حکومتی و حتی مسئله دختر فروشی ناشی از این ظلم و بیداد چنانکه دیدیم در تاریخ ایران بی‌سابقه نبوده است، اما جالب این که شرایط سیاسی و اجتماعی زمانه و بازگو شدن این حادثه به سرعت تبدیل به یک یاز داستان‌های تظلم خواهی ملت علیه دولت شد^{۱۶} این حکایت آن چنان انعکاس یافت که به عنوان یکی از موارد

^{۱۵} . همان، ص ۲۰۶.

^{۱۶} . افسانه نجم‌آبادی، حکایت دختران قوچان، انتشارات روشنگران، تهران ۱۳۷۴، ص ۱۴.

مشخص و مستمسکهای مهم در دست انقلابیون مشروطه‌خواه برای دادخواهی از رژیم استبدادی گردید، در قسمتی از عریضه آیت‌الله طباطبایی به مظفرالدین شاه به این قضیه اشاره شده است:

اعلیحضرتا، مملکت خراب، رعیت پریشان و گداست. تعدی حکام و مأمورین بر مال و عرض و جان رعیت از ظلم حکام و مأمورین اندازه ندارد، از مال رعیت هر قدر میلشان اقتضا کند می‌برند. پارسال دخترهای قوچانی را در عوض سه ری گندم مالیات که نداشتند بدهند، گرفته به ترکمانان و ارامنه عشق آباد به قیمت گزاف فروختند...^{۱۷}

در دوران مشروطیت به وضوح یکی از اعتراضات اصلی و عمده مردم به ظلم و تعدیاتی بود که حکام جور نسبت به مردم روا می‌داشتند و مردم حقیقتاً خواهان دفاع از جان و ناموس خود بودند، از لایحه‌هایی که توسط ملت در سفارت انگلیس در دوران مشروطیت به دست آمده، اشاره مؤکد درباره حفظ ناموس مردم شده است.^{۱۸} در تذکره‌های عصر مشروطیت که بیشتر آنها توسط علمای مشروطه‌خواه تنظیم شده بود به ظلم و جور حکام اشاره می‌نمودند. در یکی از این اعلانات درباره بردن زنها و مالهای مردم چنین آمده است:

ظلم و ستم و حقارت و ذلت از این بالاتر نمی‌شود هیچ تصور کرده شده که در این چند شبه چه زنها، چه ناخوشها، چه بچه‌ها، چه پولها، چه مالها از مردم بردند؟ چه ظلمها، چه تعدیات به مردم کردند؟ بکلی قلوب مردم را از خود قطع نمودند.^{۱۹}

واعظان و خطیبان دوران مشروطه برای این که مردم را بیشتر بر علیه نظام ظلم و جور و استبدادی تحریک کنند، مسئله فروش دختران قوچانی را از موضوعات اصلی سخنرانی خود قرار داده بودند و بدین گونه تنور احساسات ضد استبدادی مردم را داغ نگه می‌داشتند یکی

۱۷. همان، ص ۳، به نقل از ناظم‌السلام زمانی، تاریخ بیداری ایران به اهتمام علی‌اکبر سعید سیرجانی، بخش اول، جلد دوم، صص ۴۰۵-۴۲۳.

۱۸. محمد مهدی شریف کاشانی، واقعیات اتفاقیه در روزگار، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان جلد اول، نشر تاریخ ایران، تهران ۱۳۶۲، ص ۷۷.

۱۹. همان، ص ۵۲.

از خطیبان در این باره چنین می گوید: «حکایت قوچان را مگر نشنیده‌اید که پارسال [منظور سال 1323 قمری است] زراعت به عمل نیامد. چون نداشتند و کسی هم به داد آنها نرسیده، حاکم آنجا سیصد دختر مسلمان در عوض گندم مالیات گرفته، هر دختری را به ازای 12 من گندم به ترکمانان فروخت، گویند بعضی از دختران را در حالت خواب از مادرهایشان جدا می کردند زیرا بیچاره‌ها راضی به تفرقه نبودند.»²⁰

این بازگوییها نه تنها به تعرض مردم علیه استبداد و پیوستن آنان به صفوف مشروطه‌خواهان کمک کرد بلکه با ایجاد تأثیر، خشم و حس همدردی در گوینده و شنونده، نویسنده و خواننده فضای یگانگی و همدلی بین آحاد ملت آفرید جالب این که اهمیت این داستان چنان شد که از نخستین ماههای تشکیل مجلس اول رسیدگی به «ماجرای دختران قوچان» در صدر قرار گرفته و از موارد مشخص تظلم خواهی علیه دیو استبداد کهن بود.²¹ مجلس اول این تجاوز و تعرض به حقوق ملت را به سختی دنبال کرد، والی و بیشتر دستیارانش از کار برکنار شدند و در زمان نخست‌وزیری اتابک، دادگاه ویژه‌ای با شرکت چند نماینده مجلس در دادگستری تشکیل شد و پس از بازجوییها و رسیدگی و داوری، بالاخره در روز بیستم جمادی‌الاول سال 1325 هـ. ق دادنامه خود را صادر کرد. دادنامه در مجلس توسط اتابک خوانده و به اطلاع مجلس رسید و مجازات هریک از خطاکاران معلوم شد.²²

یکی از مسائل مهمی که در قضیه فروش دختران قوچانی و اسارت درآمد زنان باشقانلو مطرح است تحقیق درباره علل این حوادث است، بررسی این علل از این جهت اهمیت دارد

20. رمضانعلی شاکری، اثرکنامه تاریخ جامع قوچان، انتشارات امیرکبیر، تهران 1365، ص 116، به نقل از ناظم‌السلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، صص 206 و 207.

21. نجم‌آبادی، حکایت دختران قوچان، ص 4.

22. شاکری، اثرکنامه، ص 116، به نقل از آیینیه تاریخ.

که بعدها نیز بنا به «اسناد نو یافته» این حوادث تکرار می‌شود و برخی از علل آن همین علت‌های اولیه است.

یکی از علت‌های اساسی و مهم دست داشتن عوامل حکومتی در این حوادث است که این عوامل به طور رسمی و به دلیل سودجویی‌های شخصی دست به این عمل شنیع زدند.^{۲۳} علت دیگر مسئله افزایش ظالمانه مالیات حکومتی بود که سخت موجب نارضایتی اهالی ایالت خراسان شده بود. حکومت این ایالت در این ایام با حاج غلامرضا خان آصف‌الدوله بود. وی قبل از حکومت خراسان حاکم کرمان بود که در آنجا نیز داستان اجحافها، بیرحمیها و سخت‌گیری‌های او زبانزد خاص و عام شد. وی در کرمان با وجود خشکسالی و قحطی مالیات هر ساله را از رعیت طلب می‌نمود.^{۲۴}

یکی دیگر از علل مهم دختر فروشی در سال 1323 هـ ق مسئله ناتوانی حکومت ایران و حکام محلی قاجار در برابر ظلم و ستم روسیه بود و اینکه قادر به دفاع از مردم نبود، و البته این ناتوانی در سال‌های نخست دوره قاجار به خاطر تحولات جهانی و اینکه ایران در گردونه سیاست‌های استعماری روسیه و انگلیس قرار می‌گیرد بود بنابراین نه تنها در این دوره جنگ‌های متعددی بر ایران تحمیل شد، بلکه نقاط مهمی از مناطق حاصل‌خیز شمال و شمال غربی کشور از دست رفت در طی جنگ‌های ایران و روس 18 شهر مهم و حاصلخیز از ایران جدا شد و متعلق به روس‌ها شد. در دوره ناصرالدین شاه قاجار، هرات بنا به معاهده پاریس برای همیشه از خاک ایران منتزع شد گذشته از تجاوزات خارجی، انبوه قراردادهای امتیازاتی که روسیه و انگلیس از ایران گرفتند بیشتر بر ضعف و ناتوانی دولت ایران افزود، در مجموع همه این عوامل باعث ناتوانی و ضعف حکومت مرکزی گردید.

۲۳. مظفر شاه‌دی، «اسرای باشقانلو ماجرای دختران و زنان قوچانی»، تاریخ معاصر ایران، کتاب دهم، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، تهران تابستان 1375، ص 135.
۲۴. نجم‌آبادی حکایت، دختران قوچان، ص 14.

ملك المورخين درباره ظلم و ناتواني ايستادگي دولت قاجار در برابر ظلم روسيه از مردم مي‌نويسد:

وزير ماليه روسيه قرار داده كه صاحبان اغنام قوچاني يا ساير سرحدات خراسان كه حيوانات خود را در سرحدات آخال براي چرا مي‌بردند، ديناري به هيچ وجه از آنها ماليات و عوارض گرفته نشود. اين از براي جذب قلوب است و مردم قوچان از دست تعدي حكام آنجا بيشتر به طرف آخال فرار مي‌نمايند و دخترهاي خود را از راه اضطرار به فروش مي‌رسانند. سابق دخترها را يكي ده تومان مي‌خريدند حال تراكمه مرو دختری قريب به صد تومان مي‌خرند.²⁵

علت ديگر دختر فروشي بلایي طبيعي بود كه در بهار سال 1323 هـ. ق در خراسان نازل شد و در اغلب شهرهاي خراسان ملخ فراواني به مزارع حمله كردند و مردم مشغول جمع كردن ملخ بودند به طور كه هر روز خروارها ملخ به رودخانه مي‌ريختند و بنا به همين معضل قيمت گندم و جو در خراسان آن چنان بالا رفت كه مردم از تأمين مايحتاج خود عاجز ماندند.²⁶

اما اينكه چه بر سر دختران اسير آمد، آن چنان كه شايع شده بود تركمانان دختران را به بازارهاي عشق آباد برده، حراج مي‌كنند، تجار ارمني دختران را مي‌خرند تا به عنوان برده و كنيز بفروشند و يا به آوازه خواني و رقاصي در مهمانخانه‌ها و برخي اعمال منافي عفت وادارند. همچنين شايع شده بود كه برخي از دختران در مهمانخانه تفليس (گرجستان) كار مي‌كردند.²⁷ با آگاهي از وضعيت دختران اسير تلاش‌هايي جهت استرداد آنان انجام شد، اما اين تلاش‌ها مثمر نشد و دختران همچنان در بردگي و اسارت باقي ماندند.

25. نجم‌آبادي، حكاييت دختران قوچان، ص 16، به نقل از عبدالحسين خان سپهر، مرات الوقايع مظفري و يادداشت‌هاي ملك المورخين، به تصحيح عبدالحسين نوايي، ص 248.

26. همان، ص 159.

27. همان، ص 21.

همچنان که در آغاز سخن یاد گردید، اسناد این مقاله از آرشیو سازمان اسناد ملی ایران تهیه گردیده و عموماً مربوط به خرید و فروش دختر در منطقه قوچان سال 1329 ه.ق و منطقه کرمان، سیستان و قائنات در سال 1335 ه.ق است و از ماجرای حکایت فروش دختران قوچانی در سال‌های انقلاب مشروطه (1323 ه.ق) به ترتیب شش و دوازده سال می‌گذشت هر چند سوابق این ماجرا به سال‌های قبل می‌رسید اما درباره این موضوع در سال‌های مذکور تاکنون در هیچ منبعی ذکر به میان نیامده است و لذا این اسناد از جهت این که قسمتی از دنبال ماجرای خرید و فروش دختران را روشن می‌نماید در نوع خود بدیع و تازه است. قسمتی از این اسناد اختصاص به مکاتبات وزارت امور خارجه (دایره تذکره) به رئیس گمرکات و تفتیش قوچان در خصوص جلوگیری و ممانعت از فروش دختران قوچانی به ترکمانان است، که در این مورد اقدامی به عمل نمی‌آید.²⁸ قسمت دیگری از این اسناد مربوط به صورت استنطاقاتی است که از دلالتان فروش دختر، به ترکمانان به عمل آمده است. اسناد فوق مطالب جالبی درباره چگونگی اغوا نمودن اهالی لطف‌آباد قوچان توسط دلالتان ذکر گردیده است.

نکته دیگری که در صورت این استنطاقها وجود دارد مسئله تفضیل لحظات و صحنه‌های چگونگی انجام این عمل شنیع و قیمت گذاری روی دختران است.²⁹ و از همه بدتر دست داشتن مأمورین و مباشر لطف‌آباد قوچان در این قضایا است.³⁰

بخش دوم اسناد مربوط به فروش دختران و زنان به صورت کنیز به افغانها در منطقه کرمان، سیستان و قائنات است و ظاهراً این امر چنان شیوع داشته است که مأمورین وزارت امور خارجه با مکاتبات متعددی از وزارت جلیله داخله خواسته‌اند که به حکومت کرمان و

28. سند شماره 1، سازمان اسناد ملی ایران، اسناد کامپیوتری، شماره تنظیم 293001104، محل در آرشیو 401 ط 5 ب آ.

29. سند شماره 2، همان شماره تنظیم.

30. سند شماره 1، همان شماره تنظیم.

سیستان امر نمایند که از این عمل شنیع جلوگیری نمایند و مرتکبین را تنبیه و گوشمالی دهند.³¹ در یکی از این اسناد، کارگزاری سیستان گزارش غم‌انگیزی از یک زن که به افغانه فروخته شده آورده است. این زن با وجود داشتن شوهر و فرزند به صد و بیست و پنج تومان به یک افغانی فروخته شد و او نیز این زن را به سردار کل افغان محمدخان به قیمت دوست تومان فروخته است و پریداست که در هر معامله علاوه بر اینکه سودی عاید دلان این قضیه می‌شد زن بیچاره نیز مورد آزار و تجاوز قرار می‌گرفت و دست آخر کار بدانجا می‌کشد که زن فرار می‌کند و به کارگزاری سیستان پناهنده می‌شود.³²

هر چند که وزارت امور خارجه به کارگزاری سیستان دستور ممنوعیت خرید و فروش دختران و زنان را می‌دهد³³ اما معلوم نیست که تا چه اندازه این اقدامات مؤثر واقع شده باشد و با توجه به ضعفی که در این سال‌ها گریبانگیر دولت بوده است احتمال این که دولت موفق به جلوگیری از این عمل شده باشد، بعید به نظر می‌رسد.

در پایان این مقاله به این سؤال اساسی می‌پردازیم که به راستی چرا ماجرای خرید و فروش دختران که در سال 1323 هـ. ق آن همه سروصدا به راه انداخت و به عنوان یکی از مستمسکات و انگیزه‌های مهم ضد استبدادی درآمد به محض تشکیل اولین مجلس رسیدگی به آن آغاز و این همه در مطبوعات عصر مشروطه از آن یاد شده است و از آن به عنوان یک فاجعه ملی و مصیبت ملی ذکر می‌شد، از ماجرای خرید و فروش دختران در سال 1329 هـ. ق در قوچان و نیز از همین ماجرا در کرمان، سیستان و قائنات در منابع و کتب تاریخی، ذکری به میان نیامده است. چرا دولت ایران آن چنان که باید و شاید نتوانست این موضوع را کاملاً حل نماید. برای پاسخ به این پرسشها می‌بایست نخست

31. سند شماره 8، سازمان اسناد ملی ایران، اسناد کامپیوتری، شماره تنظیم 293001109، محل در آرشیو 406 ط ب آ.

32. سند شماره 9، همان شماره، تنظیم.

33. سند شماره 10، همان شماره تنظیم.

وضعیت کل مملکت ایران را در این سال‌ها بررسی نموده آنگاه نگاهی به وضعیت مناطق موردنظر داشته باشیم.

پس از تاجگذاری احمدشاه و چند سالی قبل از شروع جنگ جهانی اول بحران‌های خارجی و داخلی شدیدی گریبانگیر ایران گردید، و چه بسا همین بحرانهای شدید (از سال 1329 هـ. ق / 1911 م. تا 1335 هـ. ق / 1918 م. که تاریخ اسناد این مقاله را در بر می‌گیرد) باعث گردید که نه تنها دولت ایران به مسئله خرید و فروش دختران و زنان توجه کافی مبذول نکند بلکه مشکلات عظیم باعث شد که بسیاری از مورخین این دوره و حتی جراید و مطبوعات از انعکاس حادثه خرید و فروش دختران سخنی به میان نیاوردند و این مسئله مهم از تاریخ معاصر ایران دست خوش مهجوریت و فراموشی شود. به هر حال آن چنان که یحیی دولت‌آبادی بر می‌شمارد عوامل مختلفی باعث بحران در ایران بود: سن کم شاه، عدم لیاقت نمایندگان مجلس که به دنبال اغراض و سودجویی‌های شخصی بودند، وجود مردان بی‌کفایت کابینه، رجال کهنه‌کار، خائن و مرعوب اجانب که در عرض یک سال پنج دفعه کابینه وزرا را عوض کردند و هر دفعه از دفعه قبل وضع بدتر می‌شد، اثرات شروع جنگ جهانی و فعال شدن مأمورین سیاسی طرفین، نقض بی‌طرفی ایران در جنگ که هر کدام از روس و انگلیس مناطق تحت نفوذ خود را داشتند، اختلافات قوای نظامی در ایران که از یک سو قزاقها نیروی نظامی اجنبی تلقی می‌شد و از سوی دیگر ژاندارمری، که مسلماً اختلافات آنها باعث سوء اداره کشور بود، اغتشاش در امور مالی و اقتصادی کشور و هزینه‌های اضافی مورگان شوستر آمریکایی و در نهایت اخراج او و نفوذ روس و انگلیس در دستگاه مالیه همه و همه باعث می‌شد بر دامنه بحران در این سال‌ها افزوده شود.³⁴

بدون هیچ تردیدی، مردم ایران در دوره جنگ جهانی اول از دولت‌های روسیه و انگلیس بیش از اندازه در عذاب و رنجش بودند. مردم عوام در شب‌های جمعه در مسجد

³⁴ . یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، جلد سوم، ناشر کتابفروشی ابن سینا تهران، 1330، صص 281-284.

زیرزمین صحن حضرت عبدالعظیم جمع می‌شدند و با سوز دل ناله و ندبه بر روس و انگلیس لعن و نفرین می‌فرستادند. به خصوص نسبت به روس‌ها که حرم حضرت رضا (ع) را وحشیانه بمباران کردند احساسات کینه‌توزانه‌تری داشتند و البته انگلیسی‌ها را نیز همکار آنها می‌پنداشتند.^{۳۵}

در این زمان کار مداخله بیگانگان در امور داخلی ایران به جایی رسید که روس‌ها در قزوین و در تبریز از مردم مالیات می‌گرفتند و عملاً مانع اعزام نماینده آذربایجان به مجلس شورای ملی می‌شدند. انگلیسی‌ها نیز در مقابل وام اندکی گمرک بوشهر را تصرف کردند و بدین گونه غبار ذلت و خواری بر سراسر ایران سایه افکند و بدین گونه قلب‌های وطن‌پرستان مالمال از غم و اندوه وطن شد.^{۳۶} محرم سال ۱۳۳۴ هـ. ق حقیقتاً سال دهشتناکی برای ایران بود، نیروی نظامی روس از قزوین به طرف تهران حرکت کرد و مذاکرات سیاسی دولت ضعیف و ناتوان ایران با دیپلماتهای سیاسی روس و انگلیس نتیجه‌بخش نبود و روس و انگلیس مصمم شدند پایتخت را متصرف شوند و با این افزایش و فشار قوای نظامی به سوی ایران می‌خواستند دولت ایران را مجبور کنند که از تحریکات آلمانی و عثمانی‌ها جلوگیری کند در حالی که دولت قدرت چنین کاری را نداشت.^{۳۷}

فجایع زیاد روس‌ها در این سال‌ها بر سر ایران آوردند، علاوه بر به توپ بستن حرم امام رضا (ع)، در تبریز بعد از این که بر شهر مسلط شدند و با وجودی که قول داده بودند متعرض کسی نشوند و به قول و قرار خود عمل نمی‌کنند و شروع به دستگیری و مجازات آزادیخواهان و کسانی که متهم به جنگ با روس‌ها بودند، می‌کنند - عده کثیری از مردمان بی‌گناه را به شدت و سختی دستگیر و زندانی می‌کنند و در دادگاه‌های صحرایی محاکمه و

۳۵. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، چاپ دوم، تهران، کتابفروشی زوار، ص ۴۶۲.

۳۶. مورخ الدوله سپهر، ایران در جنگ بزرگ، ۱۹۱۸-۱۹۱۴، تهران ۱۳۳۶، ص ۹.

۳۷. همان، ص ۲۹۱.

مجازات می‌کنند و مرحوم ثقه‌الاسلام را که از روحانیون روشنفکران و آزادیخواه و از طرفداران شجاع مشروطه بود دستگیر و به جرم این که مردم را بر ضد امپراطوری روس تحریک کرده بود، بر دار مجازاتشان کشیدند.^{۳۸} گذشته از مشکلاتی که عوامل خارجی بر ایران تحمیل کرده بودند جنگ در تمامی امور کشور اثر سوء نهاد. یک یازمهم‌ترین مسائل در این زمان مسئله ارزاق عمومی و به خصوص کمبود نان بود، کمبود مواد غذایی، مساله نان صفهای طولانی نانوائیها و قحطی و افزایش بی‌رویه قیمتها مردم را به سوی فقر، بیماری و سرانجام مرگ و نیستی سوق می‌داد. گزارش‌های رسیده از شهرهای مختلف کشور حاکی از کمبود و گرانی نان تصاویری بس دلخراش از اوضاع اجتماعی آن زمان ترسیم می‌کرد.^{۳۹} براین اوضاع و احوال باید فعالیت‌های تروریستی کمیته مجازات را نیز افزود که درست در سال‌های موردنظر فعالیت‌های خود را آغاز کرد و خود باعث ایجاد جو ترور و وحشت در جامعه گردید و بیشتر بر دامنه بحرانی کشور می‌افزود.^{۴۰}

وضعیت مناطق مورد نظر یعنی قوچان، کرمان و سیستان و قائنات نیز متأثر از وضعیت کل کشور دچار بحران و نابسامانیهای عمیق بود. در سال 1329 هـ. ق یعنی درست 6 سال پس از حادثه فروش دختران قوچانی و به اسارت گرفتن زنان باشقانلو، بنا به گزارش سفیر انگلیس در تهران تراکمه همچنان یکه تاز آن مناطق بودند، مستر مارلینگ سفیر انگلیس در تهران به سر ادوارد گری در این باره می‌نویسد: «... استرآباد که مدت هفت ماه است بی‌حاکم مانده، موقع غارت تراکمه واقع گردیده و منزلگاه خوفناک معروف بین مشهد و تهران میدان حملات وحشیانه این غارتگران یاغی شده است.»^{۴۱}

38. مهدی ملکزاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، جلد 7، تهران، چاپ تابان، ص 182.
39. سهیلا ترابی، نگاهی به وضعیت ارزاق در ایران در سال‌های جنگ جهانی اول، گنجینه اسناد، سال اول، دفتر سوم و چهارم، پاییز و زمستان 1370، ص 24.
40. برای اطلاع از فعالیت‌های کمیته مجازات، رجوع کنید به مقاله بررسی تاریخی و اسنادی از کمیته مجازات، عمادالدین فیاضی، مجله تاریخ و فرهنگ معاصر، سال ششم، ش 3 و 4، پاییز و زمستان 1376.
41. مظفر شاهی، اسرای باشقانلو، تاریخ معاصر ایران، کتاب دهم، ص 135، به نقل از احمدشیری، کتاب آبی، نشر نو، تهران 1363، ص 110.

گذشته از حملات تراکمه به قوچان روسها در جنگ جهانی اول این شهر را کاملاً به تصرف خود درآوردند و گرانی و قحطی بی‌داد می‌کرد. در سال 1335 هـ. ق مجدداً قحطی هولناکی به سراغ مردم قوچان آمد به طوری که قیمت ارزاق عمومی به طور وحشتناکی بالا رفت: «گندم منی هشت هزار، جو منی 6 هزار، ماست منی 14 هزار، شیر منی یک تومان، روغن منی 4 تومان، مردم بی‌اندازه مردند.»^{۴۲}

در منطقه کرمان، سیستان و قائنات نیز اوضاع اجتماعی و اقتصادی در سال‌های مورد نظر به شدت وخیم بوده است. در کرمان مسئله فروش دختران به علت فقر رعیت و ظلم عمال حکومتی امری مسبوق به سابقه بود و از سال 1315 هـ. ق که آصف‌الدوله حاکم کرمان و بلوچستان شد در اثر تعدی او و کسانش اهالی کرمان عوض مالیات دخترهای خود را به یکی، دو تومان می‌فروختند و به آصف‌الدوله دادند.^{۴۳} و ظاهراً در سال‌های 1335 هـ. ق سنت فروش دختران همچنان وجود داشت. اما بنا به روایت اسناد در این سال دختران را به افاغنه و دلالان این کار می‌فروختند.^{۴۴}

ایرج افشار درباره حکمرانی قائن و سیستان در سال‌های مورد نظر می‌نویسد: امیر محمد ابراهیم خان حشمت‌الملک از سال 1323 هـ. ق تا 1331 هـ. ق حکمران قاین و از سال 1331 هـ. ق علاوه بر حکومت قائن و سیستان حکمرانی بلوچستان را نیز تا سال 1303 هـ. ش در دست داشت. بنا به نوشته افشار بدبختی مردم سیستان از زمان حکمرانی این خاندان شروع شد و عملاً خاندان علم مایع پیشرفت این سرزمین بودند و حتی در موارد مشخصی از عمران و آبادانی سیستان جلوگیری می‌کردند.^{۴۵}

42. شاکری، اترکنامه، ص 113، به نقل از کتاب خطی طوفان البکاء، در کتابخانه آستانه شهر کهنه قوچان است، ص 2.

43. عبدالحسین خان سپهر، مرآت الوقایع المظفری، ص 175.

44. سند شماره 10، سازمان اسناد ملی ایران اسناد کامپیوتری، شماره 293001109، محل در آرشیو 406 ط 5 ب آ ا.

45. ایرج افشار، سیستان نامه، جلد دوم، نشر مرغ آمین، تهران 1366، ص 793.

گذشته از وضعیت ناپهنجار سیستان در این سال‌ها و حاکمان نالایق آن، آنچه که اسناد دربارهٔ علت فروش دختران سیستان و قائنات در سال 1335 هـ.ق ذکر می‌کنند این است که «مسئله تأمل اختیار کردن در خاک افغانستان خیلی گران و مخصوصاً اشخاص متوسط به هیچ وجه استطاعت این کار را ندارند و سابقاً معمول بوده که جمعی از خاک افغان به نقاط مختلف قاینات آمده و دخترهای بی‌چیز و فقیر را از پدر و مادر تیره آنها خریداری و به طور قاچاق به خاک افغان عبور داده و به قیمت گرانی در آنجا به فروش می‌رسانند و مأمورین سرحدی هم سود فراوانی از این مسئله حاصل نمی‌نمودند...».⁴⁶

به هر حال سخن آخر این که با توجه به شدت بحران‌ها و مشکلات یاد شده، مسئله فروش دختران و زنان در این زمان کاملاً تحت الشعاع قرار گرفت، و نه تنها شرحی از ماجرا گفته نشد، بلکه در حافظه تاریخی مورخان و ارباب جراید نیز محور و فراموش شد و چنین شد که بار دیگر ظلمی مضاعف بر زن، این موجودی که مظهر لطف و مهر خداوندی است، وارد آمد و حداقل ذکری از رنج‌ها و اسارت‌های او به میان نیامد.

سند شماره 1

وزارت امور خارجه

اداره کل محاسبات دایره تذکره

مواد راپرت اداره گمرک لطف آباد

مورخه 29 میزان 1329 [13]

آقای رییس گمرکات و تفتیش در جزدام اقباله

محترماً صورت مجلس نمره (9) تفتیش را ایفاد مستحضر می‌دارم مباشر لطف آباد ابداً
جلوگیری از دختر فروشی نمی‌کند از دختری که قو و عقار فروخته‌اند مبلغی تعارف گرفته

⁴⁶ . سند شماره 10، همان شماره تنظیم.

و همچنین از این دختر که سید اسمعیل و علی اکبر فروخته اند چهل تومان خودش آورده و می گفت بقیه را ببخشید در صورتی که هفتاد و پنج تومان از آنها گرفته بوده بالاخره خود من هشت تومان وصول کردم.

هرگاه اولیای دولت در مقام ممانعت از این عمل قبیح برنیایند اداره تفتیش [چند کلمه ناخوانا] و چون سید اسمعیل کسب خود را دختر فروشی قرار داده بهتر است او را از بابا چپق به نقاط خارج از درجز تبعید نمایند. پارسال هم یک دختر فروخته که دوسیه آن ناتمام و حکومت جرم نگرفت امسال هم به غیر از این دختر که فهمیده شده باز هم فروخته است (محسن) مطابق اصل است.

[محل مهر بیضی شکل]: وزارت امور خارجه

اداره تذکره

وزارت امور خارجه

اداره کل محاسبات و تذکره

مواد یادداشت

یادداشت صورت مجلس نمره (9) تفتیش

مباشر لطف آباد جوابی به راپرت نمره (1341) من نداد و خودش مبلغ چهل تومان

آورده تو گفت بقیه را نگیرند (محسن) سوابق مطابق اصل است

[محل مهر بیضی شکل]: وزارت امور خارجه

اداره تذکره

سند شماره 2

وزارت امور خارجه

اداره کل محاسبات و تذکره

مواد صورت استنطاق علی اکبر قوچانی است

مورخه 11 میزان 1329

نمره

سوال و جواب علی اکبر قوچانی به قرار تفضیل ذیل است

سؤال - از اول که این سید اسمعیل با تو آشنا شد این خیال را داشت تفضیل را بگو که درست و صحیح باشد.

جواب - من اول در قوچان بودم در بین ماه رمضان سید اسمعیل آمد در قوچان چون سابقاً همدیگر را می شناختیم اظهار داشت که چرا این قدر پریشانی گفتم چه کنم خداوند مقدر نموده است سید اسمعیل اظهار داشت که میل داری بیایی باباچیق گفتم خیلی میل دارم چون اینجا گذرانم نمی شود گفت فردا حاضر باش که برویم و دختر تو بردار باباچیق عروسی می کنم صد تومان عاید نفر می شود در آنجا گذران کرده چون من خرجی نداشتم سه تومان هم به من داد کفش گرفته و با هم آمدیم تا نزدیک در جز در بین راه به من گفت تو با من باشی خوب نیست من جلو می روم تو از عقب بیا دختر مرا در ترکش انداخت و آمد در باباچیق بعد هم من آمدم مرا برد در باغ خودش دو روزی که بودم روز سوم دیدم شخصی آمده است در باغ و سید اظهار داشت که این شخص دختر تو را می خواهد و دیگر نمی دانم.

چه قراری با هم گذاشته [ناخوانا] که صد تومان می دهم نقداً پنجاه من^{۴۷} به من داده است و من هم به گمانم که این شخص که دختر مرا می خواهد اهل باباچیق است تفضیل همین است از اول تا به آخر و حال معلوم شده است که ترکمان است.

تاریخ 11 میزان 1329

اقرار علی اکبر قوچانی صحیح است

⁴⁷ . مناط: واحد پول روسی، غلامحسین مصاحف، دایره المعارف فارسی.

محل انگشت علی اکبر صحیح است

الرضا امضاء

[محل مهر بیضی شکل]: وزارت امور خارجه

اداره تذکره

سند شماره 3

[سوال و جواب استنطاق یک فروشنده دختر در قوچاق]

وزارت امور خارجه

اداره کل محاسبات و تذکره

سواد سؤال و جواب با سید اسمعیل باباچقی

مورخه 12 برج میزان 1329

سؤال و جواب با سید اسمعیل باباچقی 12 برج میزان 1329

سؤال) خواستارم شما از تفضیل این دختر هر چه می دانید بگویید.

جواب) من خبر دارم که دختر خود را صد و بیست تومان فروخته است به قلی ترکمان

در اربق چهارشب قبل (سید اسمعیل)

سؤال) در کجا و چه وقت فروخته و با اطلاع کی بود و آیا عقد کرده است یا خیر.

جواب) در باغ من سه ساعت از شب گذشته فروخته شده هیچ کس خبر ندارد عقد هم

نکردند

سؤال) شما چرا این کار را گذاشتید در باغ شما بدون اطلاع حکومت و گمرک بنماید.

جواب) آن ترکمان گفت من خبر به همه جا می دهم...

سؤال) آن ترکمان به شما چه وعده کرده این کار را انجام دهید.

جواب) چیزی به من وعده نداد.

سؤال) شما در قوچان به علی اکبر گفته اید باباچق شوهر برای دختر او پیدا خواهید کرد

پس چرا به ترکمان فروخته

جواب) من گفتم در باباچق ارزانی است ولی ترکمان خیلی پول می دهد و گفتم در

آیق یک نفر دکاندار ترکمان هست به او می دهم.

سؤال) به چند فروخته اید و آیا قلی برای خودش خرید یا دیگری

جواب) صد و بیست تومان به علی اکبر هر جای دیگر هم مخارج لازم باشد خودش

خواهد کرد و قلی جواب گفت که من برای پسر برادر خود می خواهم امضا (اسمعیل

الحسینی)

مطابق با اصل است [جای مهر]: وزارت امور خارجه - اداره تذکره

سند شماره 4

وزارت امور خارجه

اداره کل محاسبات و تذکره

سواد صورت مجلس دفتر تفتیش سرحد لطف آباد

مورخه 12 میزان 1329

نمره 9/1334

امضاء کنندگان ذیل میرزا محمدخان و میرزا محسن خان مأمورین لطف آباد حیدر

محمد علی بیک سوار غلامعلی فروشی مراتب ذیل را تصدیق می نمایم در تاریخ 12 میزان

خبر دادند سید اسمعیل باباچقی یک دختر از قوچان با علی اکبر نام آورده و در شب هشتم

میزان فروخته اند به یک نفر ترکمان و او هم برده است به روسیه سید اسمعیل و علی اکبر را

اخطار نموده علت بی‌قاعدگی را سؤال نمودم سید اسمعیل اظهار داشت در قوچان این شخص علی اکبر نام به من گفت من یک دختر دارم من گفتم ببریم باباچیق آوردیم اینجا با قلی نام ترکمان تبعه روس ساکن ارتق مذاکره نموده و مبلغ یکصد و بیست تومان به او فروختیم چون اقرار به خلاف خود نمودند و خبر داده بودند آن دختر از علی اکبر نیست و با سید اسمعیل از راه شیطننت از قوچان آورده و به ترکمان فروخته‌اند بر طبق مدلول ماده پنجاه دو تفتیش بایستی پنجاه تومان جریمه بدهند توسط حکومت لطف آباد چهل تومان دادند هشت تومان دیگر خودمان وصول کرده و برای چهل و هشت تومان در 137 علی و 13837 مرکزی قبض جریمه تفتیش صادر نمودیم و ده تومان دیگر لاوصول ماند و چون سید اسمعیل مکرر مرتکب دختر فروشی شده در این موقع مفاد ماده پنجاه و شش تفتیش را درباره او گوشزد اداره اقدامات لازم بنمایند این صورت مجلس را ترتیب و ارسال حضور رؤسا محترم خودمان نمودیم. لطف آباد به تاریخ 28 میزان 1329 امضاء محسن و محمد

محل مهر محل مهر محل مهر

غلامعلی حیدرعلی محمدعلی

مطابق اصل است

[محل مهر بیضی شکل]: وزارت امور خارجه

اداره تذکره

سند شماره 5

وزارت امور خارجه

اداره کل محاسبات دایره تذکره

مواد

مورخه 12 میزان 29

نمره 105

آقای رییس گمرک دام اقباله

دو روز قبل سید اسمعیل نام باباچقی دختر علی اکبر نام قوچانی را به قراری که خود علی اکبر اظهار می داشت فروخته اقرارات علی اکبر قوچانی با حضور آقای میرزا رضاخان رییس تلگرافخانه لطف آباد لطفاً ارسال داشت از قراری که سید اسمعیل و علی اکبر اظهار می کنند مابقی پول در نزد ترکمان مانده است دختر هم در اریق قدری سختی نماید دختر در اینجا حاضر می شود و سید اسمعیل اظهار می کند که الان من ضمان می دهم می روم قول می آورم چون مابقی پول را بدهد البته سختی نفرمایید که انشاءالله توجه سرکار دختر را حاضر نمایند.

مطابق اصل است.

وزارت امور خارجه

اداره تذکره

سند شماره 6

وزارت امور خارجه

اداره کل محاسبات و تذکره

مواد راپرت اداره گمرک لطف آباد

مورخه 23 میزان 29 [13]

نمره 1342

آقای نایب الحکومه

سید اسماعیل فروشنده دختر علی اکبر قوچانی که دیروز متعهد شده است بر خورد به هر شکلی است دختر را عودت داده و مبلغ پنجاه تومان جرم خود را بیاورد امروز آمده آنجا پیش شما جواب معمولی داده است خواهشمندم فوراً او را با سوار مخصوص روانه نمایید.
(محسن)

مطابق با سوادى است که از اداره گمرک فرستاده‌اند

[محل مهر بیضی شکل]: وزارت امور خارجه

اداره تذکره

سند شماره 7

وزارت امور خارجه

اداره محاسبات و تذکره

سواد مراسله اداره گمرک وزارت خارجه وزارت جلیله امور خارجه

مورخه 5 صفر 1336

نمره 4894

روسیه از طرف رییس گمرک مشهد رسیده لطفاً ارسال حضور مبارک می‌دارد.

چنانکه ملاحظه می‌فرمایند چون در ضمن صورت مجلسی که به تاریخ دوازدهم میزان 1329 و اداره تفتیش تذکره سرحد لطف آباد نگاشته شده محقق گشته است که سید اسماعیل نام دختری از اهل قوچان را به یک نفر ترکمن فروخته مفتش محلی با زحمت زیاد مبلغ چهل و هشت تومان از مومیون الیه جریمه دریافت نموده معادل آن مبلغ در روی قبض جریمه تمبرالصادق داشته است از آنجایی که در ماده (55) دستورالعمل تفتیش برای شخصی که به طور تقلب و بدون اجازه شوهر یا والدین زن مسلمانی را از سرحد عبور بده

موازی پنجاه تومان جریمه معین شده اداره تفتیش لازم دانسته است که مقررات همین ماده را درباره سید اسمعیل مجری و معمول دارد راست است که پدر دختر از این معامله بی اطلاع نبوده و بدین واسطه که برای ماده پنجاه و پنجم طابق النعل بالنعل در نظامنامه پیش‌بینی نشده است معذک به عقیده اولیای دولت علیه از این ذنب^{۴۸} لایغفر^{۴۹} نیاید محض عین نمایند و رجاء واثق دارم که اقدامات صعب وجدانه نسبت به سید اسمعیل نام و هم درباره نایب الحکومه محلی که ناظر و شاهد این عمل مخالف انسانیت بوده و به سکوت گذرانیده است اتخاذ خواهند فرمود.

از طرف مدیر کل گمرکات نیابت مفتش کل
مطابق اصل است

[محل مهر بیضی شکل]: وزارت امور خارجه

اداره تذکره

سند شماره 8

وزارت امور خارجه

اداره انگلیس دائره

مورخه 13 شوال 35 [13ق]

نمره 10657/1089

وزارت جلیله داخله

راپرتی از کارگزاری سیستم راجع به خرید و فروش غلام و کنیز رسیده که سواد آنرا لطفاً ارسال می دارد بطوری که خاطر محترم آن وزارت جلیله مستحضر است موافق قرار داد

48. ذنب = گناه.

49. لایغفر = نابخشودنی.

و منع برده فروشی منعقد در بروکسل خرید و فروش غلام و کنیز ممنوع است و هر زمان که درخواست آزادی نمایند وزارت امور خارجه آزادنامه رسمی صادر خواهند نمود لهذا متمنی است لازمه به حکومت کرمان و سیستان در منع فروش رعایا صادر و تأکید فرمایند که مرتکب را در صورت تمرد تنبیه نمایند تا این رسم شنیع به کلی موقوف گردد. اداره شرق درین خصوص سابقاً در وزارت داخله تعلیقات داده و باز هم تلگرافاً تذکیر شود ولی در موضوع مجازات این عمل مدتی است از وزارت عدلیه تکلیف خواسته شده بود جواب نداده‌اند رجوع و زودتر جواب بخواهید.

15 شوال [امضا]

سند شماره 9

وزارت امور خارجه

راپرت کارگزار سیستان

مورخه 5 رمضان 1335 ق

نمره 960

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

این اوقاف علی خان پسر مرحوم سردار شمس‌الدین خان که در اطراف میان کنکی اقامت دارند به کارگزاری اطلاع داد یک نفر زن از اهالی بم و نرمانشیر کرمان که به عنوان کنیزی به سردار کل محمدخان فروخته‌اند فراراً به منزل من آمده است و تکلیف خواسته بود بنده هم فوری به ملک محمدعلی خان نایب الحکومه و امین تذکره میان کنکی نوشت که او را از خانه علی خان به منزل خود بیاورد تا تکلیف او معلوم و از طرف سردار کل محمدخان مراسله رسید و مطالبه کنیز را کرده بود از ملک محمدعلی خان هم راپرت رسید

که این زن می گوید از اهل بم و نرمانشیر هستم و شوهر و اولاد هم دارم مرا به عنوان کنیزی به لغام نام سیستانی فروخته اند در یکصد و بیست و پنج تومان و او هم به ملا هارون نام فروخت و ملا هارون هم مرا به سردار کل محمود خان در دویست تومان فروخته است این مدت در نهایت سختی در آنجا گذران کردم تا این که حالیه به کمک و همراهی عیال خود سردار فرار کردم و اگر مرا اجباراً به آنجا بفرستند خودم را به هلاکت می رسانم از طرف سردار هم اتصالاً برای فرستادن کنیز مراسله می رسد زن هم به نهایت تضرع و زاری خلاصی خود را می خواهد تا این که محمدعلی خان از خودش دویست تومان برای سردار می فرستد و رفع این غائله را می کند و حالیه قرار است با چند سیستانی که به طرف کرمان می روند زن را نزد شوهر اولاد خود روانه کند شهدالله این اقدام ملک محمدعلی خان قابل هر گونه تحسین است و جای آن را دارد که از طرف وزارت جلیه برای تشویق او در ضمن جواب این راپرت به مشارالیه اظهار لطفی شده و ضمناً هم خلاصه این راپرت را مقرر می فرمایند در یکی از جراید درج نمایند.

سند شماره 10

وارت امور خارجه

کار گزار قاینات

5 رجب 1335 (ق)

نمره 36

نظر به این که تأهل اختیار کردن در خاک افغانستان خیلی گران و مخصوصاً اشخاص متوسط به هیچ وجه استطاعت این کار را ندارند سابقاً معمول بوده که جمعی از خاک افغان به نقاط مختلفه قاینات آمده و دخترهای بی چیز فقیر را از پدر و مادر تیره آنها خریداری و

بطور قاچاق به خاک افغان عبور داده و به قیمت گرانی در آنجا به فروش می‌رسانند و مأمورین سرحدی هم انتفاع فراوانی از این مسئله حاصل می‌نمودند پس از آن که از طرف دولت اعتراضات به حکومت و کارگزاری شده و سرکار امیر شوکت الملک هم اکیداً قدغن فرمودند حالیه طریق فوق کمتر و به طور ذیل معمول شده که هریک از اتباع کم بضاعت افغانستان که خیال تزویج دارند به خاک ایران آمده چند ماهی اقامت و یکی از دخترهای بی‌چیز فقیر از طرف را که اغلب از اهل تسنن می‌باشند بر طریق قانون تزویج نموده به سمت افغانستان با مختصر مخارجی نوشته اجازه‌از کارگزاری حکومت تحصیل به مسقط الرأس خود حرکت می‌نمایند از زمانی که بنده به بیرجند وارد شده یک مرتبه به کارگزاری رجوع و بنده موکول به تصویب حکومت نموده و ضمناً مراتب را هم معروض داشت که چنانکه تصویب می‌فرمایید من بعد اجازه عبور به آنها صادر نشود و جداً جلوگیری نمایند.

سند شماره 11

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

سنه 1335 [قمری]

نمره قبض 1/121 - نمره تلگراف 26 - عدد کلمات 32 - تاریخ اصل 13 -

توضیحات دولتی - تاریخ وصول 14 جوزا اسم گیرنده بهرامی

مقام منبع وزارت جلیله داخله روحفدا برای اجرای حکم 100 وسائل لازمه را

اتخاذ نموده و امید است کاملاً به موقع اجرا گذارده شود شماره 558 - چاکر محمدابراهیم

شوکت الملک.

اداره شرق.

سند شماره 12

وزارت امور خارجه

راپرت کارگزاری سیستان

شعبان 35 [13]

نمره 861

مسئله فروش کنیز و غلام در سیستان خیلی اسباب زحمت مردم بیچاره شده است و بعلاوه در بین خودشان معمول است به خارج هم می فروشند و به این جهت خیلی از دخترها و زنها را به عنوان کنیزی به اهالی افغانستان و هندوستان می فروشند اگر صلاح بدانند و امر فرمایند اعلانی از طرف کارگزاری شود که بعد از این کار را متروک دارند و رسماً به حکومت افغانستان نوشته شود که برحسب امر دولت علیه این مسئله متروک و به اهالی خودشان اعلام نمایند که فکر این معامله را به اهل سیستان ننمایند.

(ناصرالدوله)

سند شماره 13

وزارت امور خارجه

از وزارت امور خارجه به کارگزاری سیستان

تاریخ 35 [13]

9039/928

راپرت 861 واصل گردید تعجب دارم که تاکنون راپرت این مسئله و خرید و فروش دختران سیستانی را به مرکز نداده اند که عملی از این قبیح تر نمی شود که معامله کنیز در خاک ایران معمول است و حال آن که در آفریقا سیاهان آزاد باشند بعلاوه خرید و فروش

انسان به موجب عهدنامه بین‌المللی به کلی قدغن و متروک شده است همین طور که پیشنهاد کرده‌اند اعلان عمومی بدهید و به جاهای لازمه نیز اشعار دارید بدهی است که در مقابل ارتکاب چنین امری جزا و جرمی نیز باید تعیین و در اعلان قید شود که حتمی‌الاجرا باشد.

(نصیرالدوله)

سند شماره 14

وزارت امور خارجه

اداره تحریرات انگلیس دایره

مورخه شعبان / 35 [13]

نمره 4406/861

وزارت جلیله داخله

راپرتی از کارگزاری قاینات به وزارت امور خارجه رسید مشعر است بر این که چون در خاک افغانستان مسئله تأهل مستلزم مخارج بسیاری است لهذا از اهالی به ایران آمده دخترهای بی‌چیز را خریداری کرده و به طور قاچاق به خاک افغان عبور می‌دهند و به قیمت گرانی در افغانستان می‌فروشند و پس از اینکه دولت

در این باب اعتراض نمود حکومت قاینات قرار داده است که این ترتیب موقوف باشد و حالیه اتباع افغان به ایران آمده و پس از چند ماه توقف این قبیل دخترها را به موجب قانون شرع و تزویج و به موقع حرکت به افغانستان اجازه از حکومت و کارگزاری تحصیل می‌نمایند و نتیجه این ترتیب هم که مهاجرت جماعت نسوان ایرانی به افغانستان است با ترتیب اول یکی است عقیده وزارت خارجه این است که با امعان نظر به راپرت کارگزاری

که سواد آن را ملاحظه می‌فرمایند مضار این ترتیب به حکومت سیستان و قاینات خاطر نشان و ضمناً برای جلوگیری حکم شود که حکومت مراجعت مهاجرین تبعه افغان را با نسوان اتباع ایران قدغن کنند و مشروط به اقامت دائمی مهاجر در ایران نمایند و در این صورت از خرید و فروش نسوان ایرانی در خاک افغانستان جلوگیری خواهد شد متمنی است زودتر احکام لازمه صادر و نتایج را اعلام فرمایند که بر طبق آن جواباً به کارگزاری نیز دستورالعمل صادر شد.

[امضا] محل مهر بیضی شکل وزارت جلیله امور خارجه

فوری است.

اداره شرق همینطور که وزارت امور خارجه مرقوم داشته‌اند تلگرافاً حکومت قاینات را به نکات مرقومه متوجه داشته و بدین وسیله موکداً قدغن می‌شود که از این اقدام جلوگیری نموده و به هیچ وجه نگذارند نسوان ایرانی را به افغان ببرند والا حکومت مسئولیت عمده [ناخوانا] خواهد شد جداً مانع شوند.

به وزارت امور خارجه جواب بدهند اینطور تلگراف شد. 5 شعبان

سند شماره 15

وزارت امور خارجه

اداره انگلیس دائره

مورخ 35/1

نمره 4980/962، ضمیمه 2

وزارت جلیله داخله

کارگزاری سیستان در باب خرید و فروش دختران سیستانی را پرتی به وزارت امور خارجه داده است که سواد آن را با سواد تعلیماتی که در این باب صادر گردیده لفاً ارسال داشته متمنی است تعلیمات مشابهی مؤکداً به عهده مأمورین آن وزارت جلیله در سیستان صادر فرمایند که جداً از این کار جلوگیری شود. [امضا]

محل مهر بیضی شکل: وزارت جلیله امور خارجه

اداره شرق سابقه دارد از اقداماتی که شده است وزارت امور خارجه را مطلع و در تعقیب اقدام حتی باز هم تأکید شود.

10 رمضان

سند شماره 16

دولت علیه ایران

وزارت داخله ثبت 5758/1000 شعبه تحریرات شرق ضمیمه ... ارسال در ساعت 6

جوزا - تهران بیرجند - به تاریخ 6 جواز / پنجم شعبان 1335 [ق] صادره تلگراف

حکومت سیستان و قاینات مطابق را پرتی که به وزارت جلیله امور خارجه رسیده جمعی از اهالی افغانستان هستند از سابق کارشان این بوده که به ایران آمده دخترهای بی چیز فقیر را خریداری کرده بطور قاچاق به افغانستان برده به قیمت های گزاف بفروشد و این اوقات که از طرف حکومت و کارگزاری قدغن شده اگر چه همان کار را می کنند ولی دخترها را به عنوان زوجیت به نکاح خود در آورده بعد از چندی آنها را به افغانستان برده به همان ترتیب به فروش می رسانند.

به جهات عدیده خیلی بد و باید به هر ترتیب است جلوگیری شود لذا اکیداً نوشته می شود که قدغن نمایند اولاً مزاجت با اتباع افغانستان را به کلی متروک و موقوف دارند

ثالثاً اگر این کار را می‌کنند باید با اطلاع حکومتی و کارگزاری به شرط اقامت دائمی در ایران باشد و اگر غیر در این رفتار کنند مورد مؤاخذه و مجازات سختی شوند و خودتان هم طوری مراقبت نمایند که فرصتی برای مرتکبین بدست نیامده نتوانند محرمانه به این کار اقدام نمایند که اگر باز راپرتی رد وقوع این مسئله برسد ناچار خود شما هم طرف مسئولیت واقع خواهید گردید. [امضا]

سند شماره 17

دولت داخله ایران

وزارت داخله

ثبت 2217 - شعبه تحریرات شرق - ضمیمه - ارسال در ساعت 7 سنبله - تهران بیرجند - به تاریخ دهم 7 سنبله ذیقعد 1335 اسم نویسنده ... صادره مکتوب - حکومت سیستان و قاینات اگر چه مکرر در خصوص فروش و قاچاق زن‌های ایرانی به افغانه به شما نوشته شده و شما هم در ذیل تلگراف شماره نمره، 652 شرحی مبنی بر جلوگیری و عدم این ترتیب تلگرافاً اطمینان داده‌اید اینک که مجدداً از وزارت جلیله خارجه شرحی متضمن سواد راپرت کارگزاری قاینات رسیده که سواد راپرت مزبور برای استحضار شما لفاً ارسال می‌شود البته قدغن نمایند راجع به خانواده‌های قدیم بطوری که پیشنهاد کرده بودند معمول داشته و از نظایر برده فروشی و غیره هم قویاً جلوگیری و نتیجه را اطلاع دهید. [امضا]

سند شماره 18

دولت علیه ایران

وزارت داخله

ثبت 1487 - شعبه تحریرات شرق - ضمیمه - ارسال در ساعت 10 سرطان - تهران

بیرجند - به تاریخ 10 سرطان / 11 رمضان 1335

حکومت سیستان و قاینات سابقاً به شما نوشته بود که از قرار راپرت افغانها به ایران آمده دخترهای بی بضاعت را به عنوان زوجیت عقد کرده بعد از چندی آنها را به افغانستان برده بفروشد و دستوری در این باب داده شده بود که جواب آن را نیز در ضمن تلگراف نمره 5586 مخابره کرده بودید وی حالا از قرار راپرتی که جدیداً از کارگزار سیستان به وزارت امور خارجه رسیده علاوه بر این مسئله در و آن صفحات است دختران را به عنوان کنیز خرید و فروش نموده به افغانستان و هندوستان نیز آنها را می برند و این مسئله با مراقبت شما خیلی منافی و باید به وصول این تلگراف در کمال جدیت این معامله را مانع و جلوگیری کرده و به اهالی اعلان کنید که اگر کسی من بعد اقدام به این امر نماید مورد مؤاخذه و تنبیه سخت شده و بدانند که به کلی از این مسئله پرهیز کرده و (ناخوانا) متروک ندانند.

[امضا]

سند شماره 19

وزارت امور خارجه

مورخه 23 رمضان 35 [13]

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه

بعضی اشخاص از تبعه داخله هستند که اگر بتوانند زنهای تریاکی بی باعث را به قاجاق و رضایت زنها به خاک ترکستان و افغانستان برده تراکمه افغانه به عنوان زینت داده وجهی می گیرند و این کار اسباب مداخله دخل و تجارت خود قرار می دهند در مدت چهارده

سالی که در سرحد سرخس مأمور مردم نهایت مراقبت را داشته که جلوگیری از این قبیل اشخاص بشود بحمدالله تا درجه که امکان داشت جلوگیری هم می‌شد. در قاینات هم از روز ورود همینطور سعی داشته و دارم ولی در قاینات خانواده‌هایی هستند که بعضی‌ها از سنوات سابقه از خاک افغان مهاجرت به قاینات نموده متوطن شده‌اند و همچنین خانواده‌هایی هستند که از سابق از قاینات مهاجرت نموده به افغانستان رفته‌اند و همه اهل تسنن و غالباً اقدام و بسته یکدیگرند و هر وقت وصلتی به ملاحظه قرابت با هم می‌کنند اشخاصی نیستند که عیال خود را به دیگران بفروشند اگر صلاح بداند مقرر فرمایند که از وزارت جلیله داخله به حکومت قاینات سفارش بشود که کما فی‌السابق جلوگیری از اشخاص مجهول الحال که احتمال فروختن عیال به افغانه دارند بشود ولی اشخاصی را معلوم است مرتکب فروش زن به افغانه نشده و نمی‌شوند و از اقوام و بستگان خود عیال می‌گیرند از دخول و خروج به قاینات و افغانستان ممانعت نمایند که آن اشخاص به اطلاع حکومت و کارگزاری با تذکره دولتی و ضامن معتبر عبور و مرور نمایند که مجبور به فرار و قاجاق نباشند.

سند شماره 20

وزارت امور خارجه

اداره انگلیس دائره ... مورخه 9 شهر / - نمره 11332/1286 - ضمیمه

وزارت جلیله داخله

عطفاً به مرقومه مورخه 13 شعبان 1335 نمره 1155 سواد راپرتی را که در باب زن‌های بی‌باعث که به طور قاجاق از صفحات شرقی به افغانستان می‌برند و ظاهراً به عنوان تزویج داده و در واقع می‌فروشند از قاینات رسیده است تلواً انفاذ و تمنا دارد که موارد آنرا برای حکومت قائنات ارسال و قدغن اکید فرمایید که در این باب مواظبت کامل داشته و

خاتمه راپرت مزبور راجع به بعضی خانواده‌های قدیمی را نیز اگر صلاح می‌دانند با موافقت کارگزار معمول داشته مقرر دارند تذکره داده شود و به ایالت خراسان هم در این موضوع تعلیمات اکیده صادر فرمایند که به حکام جزء دستور در اجرای این ترتیب بدهند.

[امضا]

مهر بیضی شکل

سند شماره 21

وزارت داخله

ثبت 1887 - تهران به تاریخ 15 شوال - 1335 [ق] - اسم نویسنده ... صادره
تلگراف - حکومت سیستان و قاینات لازم است قدغن نمایند خرید و فروش غلام و کنیز را
اهالی سیستان به کلی موقوف و متروک دارند و در صورت تمرد البته شدیداً مرتکبین این
رسم شنیع را تنبیه و مجازات نمایند.

از قراری که از وزارت امور خارجه نوشته‌اند یک نفر زن از اهل نرمانشیر را به عنوان
کنیزی به سردار محمد خان فروخته و این اوقات مشارالیها فراراً به خانه علی خان پسر سردار
شمس‌الدین خان رفته بود به وسیله کارگزاری آزاد وادار به وطنش فرستاده‌اند حقیقتاً هیچ
تصور نمی‌رفت با بودن مثل شما حاکم آزادیخواهی در آن حدود این عادات وحشیانه دوره
بربریت در آنجا جاری و معمول باشد.

این تلگراف فوراً اعلان رسمی و قدغن سخت نمایند. امروز که آزادی و حریت است
خریدن غلام و کنیز بکلی موقوف و هرگاه من بعد کسی مرتکب این عمل شنیع بشود مورد
تنبیه و مجازات سختی خواهد گردید.

[امضا]

سند شماره 22

وزارت داخله

ثبت 11043/1876 - تهران به تاریخ 15 شوال - 1335 - اسم نویسنده - صادره

مکتوب

وزارت جلیله امور خارجه بر طبق مرقومه محترمه شماره 1089/10657 تلگراف لازم در منع برده فروشی به حکومت سیستان و قاینات صادر و نتیجه رسیدن جواب آن وزارتخانه محترم ابلاغ می شود.

[امضا]

سند شماره 23

دولت علیه ایران

وزارت داخله

ثبت 9492/1630

ذکر نمره های قبل - شعبه تحریرات شرق - ضمیمه 26 سرطان/27 رمضان 1335 -

اسم نویسنده ... صادره مکتوب

وزارت جلیله امور خارجه در موضوع افاغنه و بردن زن از صفحات سیستان و قاینات که در ضمن مرقومه ترمه نمره 4980/962 اشعار و به حکومت تلگراف شده بود اینک جوابی است که سوادش لطفاً از ملاحظه شریفه اولیای آن وزارتخانه می گذرد.

[امضا]

سند شماره 24

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

سنه 1335 -

نمره قبض 1108 - نمره تلگراف 35 - عدد کلمات 70 - تاریخ اصل 21 -

توضیحات کپی - تاریخ وصول 22 سرطان - 1 گیرنده

مقام منیع وزارت جلیله داخله در جواب شماره 1487 معروض می دارد که مدتی است در قاینات دیده شد افاغنه زن ایرانی را به هر عنوانی که باشد با خود می برند و با کمال جدیت جلوگیری شده و می شود برای سیستان هم دستورالعمل اکید داده شده خاطر مبارک مطمئن باشد که احکام دولتی کاملاً به موقع اجرای گذارده می شود. شماره 652-

چاکر محمد ابراهیم شوکت الملک

اداره شرق به وزارت امور خارجه ارسال دارید 25 رمضان

سند شماره 25

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

سنه 1335 - نمره قبض 1708 - نمره تلگراف 4 - عدد کلمات 70 - تاریخ

اصل 15 - توضیحات دولتی - تاریخ وصول 17 - اسم گیرنده اسدالله

مقام منیع جلیله داخله تهران در جواب تلگراف شماره 1887 جسارت می ورزد که البته خاطر مبارک از راپرت کارگزاری مسبوق شده است که محل فروش و فروشندۀ اولیه در بم فرمایشی بوده و وسیله نایب الحکومه میان کنکی سیستان مستخلص شده است در سیستان و قاینات جداً جلوگیری می شود و امثال این وقایع روی نمی دهد خاطر مبارک مطمئن باشد. شماره 830 -

چار محمد ابراهيم شوكت الملك

محل مهر تلگرافخانه

[در حاشیه]

اداره شرق - 22 ذيقعدة

سند شماره 26

دولت عليه ايران

وزارت داخله

شماره ثبت 2364 - تهران - به تاريخ 24 ذيقعدة 1335

وزارت جليله امور خارجه برطبق مرقومه شماره 1086/10656 راجع به برده فروشى

تلگرافى كه به حكومت سيستان و قاينات نوشته شده بود اين كه جوابى رسيده كه سوادش
لطفاً ارسال مى شود.

[امضا]

سند شماره 27

دولت عليه ايران

وزارت داخله

ثبت 8394/1463 - شعبه تحريرات شرق - ارسال در ساعت 10 سرطان - تهران -

به تاريخ 1335 [ق] -

وزارت جليله امور خارجه بر طبق مرقومه محترمه نمره (498/962) توضيح راپرت

كارگزارى سيستان شرحى كه لازم بود تلگرافاً به حكومت سيستان و قاينات دستور مى دهند
و نتيجه به اطلاع آن وزارت جليله مى رسد.

دولت علیه ایران

وزارت داخله

شماره ثبت 6550/1155 - شعبه تحریرات شرق - ضمیمه - ارسال در ساعت - 14

جوزا - تهران به تاریخ 14 جوزا - 1335 - اسم نویسنده ... صادره مکتوب

وزارت جلیله امور خارجه برطبق مرقومه نمره 4406/669 راجع به اقدامات

افغانها در سیستان تلگرافی به حکومت سیستان و قاینات شده بود اینک سواد جوابی که

رسیده است برای استحضار اولیای آن وزارت جلیله لفاً ایفاذ می دارد.

[امضا]

* شماره های کامل اسناد جهت بازیابی در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران

1 - اسناد فروش زنان به صورت کنیز به افغانها در منطقه سیستان و دستور جلوگیری از

این امر در سیستان سال 1335 قمری شماره اسناد 293001109 - محل در آرشیو

5406 ب آ - شماره فیش 00070133 - تعداد برگ 23 برگ

2 - اسناد مربوط به خرید و فروش دختر در لطف آباد قوچان و سکوت نایب الحکومه

در این زمینه خراسان 1329 قمری شماره اسناد 293001104 - محل در آرشیو 401 ط

5 ب آ - شماره فیش 00070128 - تعداد برگ 12 برگ